

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باید حول محور مرکزی فراهم کردن شرایط برای ارتقاء معنویت افراد؛ سازمان‌دهی مجدد بشوند. در جامعه اسلامی؛ نظام سیاسی ضمن ساماندهی قدرت و نظام اقتصادی ضمن افزایش تولید باید در فرآیند توسعه معنوی نقش ایفا کنند. معنی آن این است که مدیرعامل کارخانه ایران خودرو باید با روشی مدیریت کند که هم تولید بالا رود و هم کارگران ارتقاء اخلاق و معنویت پیدا کنند. نظام اقتصادی و سیاسی باید با حضور در نظام اقتصادی، بانکداری، صادرات و حمل و نقل به مدیران بیاموزد که چگونه رشد اخلاق؛ معنویت و رشد اقتصادی را در شیوه مدیریت ارتقاء ببخشند. وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات و روحانیت می‌خواهند خودشان را به توده‌های مردم برسانند و آنها را متدین کنند. عناصر کلیدی، یعنی سازمانهای فرهنگی و مدیران ارشد سازمان‌ها که یکی در فرانسه، یکی در امریکا و دیگری در انگلستان درس خوانده، می‌خواهند تئوری غرب را در جامعه تزریق کنند.

روحانیت ما خودش را به روستاها می‌رساند که اهالی روستا متدین شوند بنابراین جامعه پر از تضاد است؛ چون جامعه مهندسی فرهنگی نشده است. سند چشم انداز حاوی اسلام و باورهای اسلامی است و ساخت مادی و اهداف کلان آن دارای یک حالت ترکیبی است. همه این لایه‌ها باید این ویژگی را داشته باشند که از علوم و فنون روز بهره بگیرند و بتوانند باورهای اسلامی را در آن تلفیق کنند. بخصوص در شیوه رهبری و مدیریت سازمان، معنی آن این است که رؤسای سه قوه هر کدام در حوزه فرهنگ؛ مشاوران امین می‌خواهند. وزارتخانه‌های اقتصادی، سیاسی و قضایی به دلیل اینکه فرهنگ را درست و یا تخریب می‌کنند و به دلیل اینکه با موانع فرهنگی روبرو هستند باید دارای دفاتر مطالعات شناخت کارکردهای فرهنگی باشند. معاونین وزرا؛ مشاورین امین در حوزه‌های فرهنگ هستند. یک مشکل بزرگ غرب این است که همه نظامهای آنها حول رشد و توسعه اقتصادی سامان یافته‌اند. این نظامهای آلوده غربی، از طریق دانشگاهها روی نسل تحصیل کرده تاثیر می‌گذارند. سازمانها هم فرهنگ غربی را درون سازمانهای بزرگ دولتی و غیردولتی ما توسعه می‌دهند توسعه اقتصادی با سرعت افزایش می‌یابد. توسعه بازار نماد توسعه اقتصادی و رونق تحقیقات است. توسعه زیر ساختهای فرهنگی ما بسیار ضعیف است. حوزه، دانشگاه و نظام اجرایی با یک پیوند ارگانیک باید مشکلات را حل کنند. دانشگاه و نظام اجرایی باید با هم داد و ستد داشته باشند.



دکتر حسن بنیانیان دارای دکترای مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی می‌باشد.

محرر

در تحقق مفهوم مهندسی فرهنگ و سند چشم‌انداز همه عناصر سیاسی و اقتصادی جامعه نقش دارند. این را باید در جامعه به یک باور تبدیل کنیم که فرهنگ را همه می‌سازند. اصلاح فرهنگ مستلزم شناخت نقش و اصلاح نقش تک‌تک ما است.

بهره‌گیری از مدیران عالی، ارشد و میانی بسیار مهم می‌باشد. در جامعه؛ سیاست، قوه قضائیه، نیروی انتظامی و... همه با هم ارتباط دارند. در جامعه اسلامی مدیران ارشد و میانی و عالی، قبل از اینکه مدیر شوند باید یک جامعه‌شناس اسلامی باشند. مهندسی فرهنگی در حقیقت طراحی یک الگوی عملیاتی است. برای توسعه جامعه اسلامی، ما باید با استفاده از دین با کمک عقل و نقل و با بهره‌گیری از فرهنگ اولیه فرهنگ مطلوب را تعریف کنیم. وضع از درون موجود را تجزیه و تحلیل کنیم. تا دچار لقاط نشویم. یک اصول مبنای برای حرکت در اصول فرهنگی باید تعریف کنیم. ما در دنیا از آن جهت خوب می‌خوریم که می‌خواهیم دین خدا

را احیاء کنیم. ضمناً همین دینی که می‌خواهیم احیاء کنیم موتور سوخت خود نظام هم است. یعنی اگر از درون نظام؛ دین را بگیرند با سرعت متلاشی می‌شود. وحدت و قدرت ما از دین

اسلام است. بخش مهمی از موانع توسعه اقتصاد، سیاست و ساخت جامعه در فرهنگ نهفته است. ما به طور جدی با تهاجم فرهنگی روبرو هستیم. اولین چیزی که در روابط جامعه می‌بینیم عمل آدمها است. وقتی می‌گوییم فرهنگ دارد تغییر می‌کند یعنی تمایلات و باورهای جامعه دارد تغییر می‌کند. ما ظاهر جامعه را می‌بینیم. وقتی آگاهانه می‌خواهید باور مخاطب را عوض کنید با تغییر معلومات فرد مخاطب باید تمایلات درونی وی را عوض کنید تا رفتارش عوض شود. مخاطب شما از قبل با یک محیط فرهنگی روبروست. اگر حس کند باور این حرفها موقعیت او را در جامعه تخریب می‌کند در مقابل استدلالهای شما مقاومت خواهد کرد. نکته ظریف اینکه تنها از طریق باورهای بنیادین رفتارها و نمادها در جامعه شکل می‌گیرد. یعنی وقتی من و شما از هم جدا می‌شویم